

هویت دینی و چالش‌های آن

دکتر محمدرحیم عیوضی*

چکیده

هویت و فرهنگ در عرصه مطالعات جامعه‌شناسی، همواره مطمح نظر اندیشمندان بوده است. هویت‌یابی، به مثابه نیاز مبرم اجماع جوامع در جهت تقویت ارکان نظام سیاسی و تنویر اندیشه‌های استقلال‌طلبانه، جامعه‌شناسان را علاقه‌مند کرده است تا به مطالعه این دو مقوله و رابطه تعاملی آن‌ها با ژرف‌نگری و تأمل بیش‌تری پردازند. این نوشتار می‌کوشد به کمک آسیب‌شناسی هویتی و فرهنگی، تأثیر عوامل مخرب بر هویت‌ها، فرهنگ‌ها و موانع رشد و توسعه آن‌ها را شناسایی کند. انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی با شعارهای فرهنگی، خواهان کسب هویت جدیدی برای ایرانیان بود. اما از همان ابتدا در معرض چالش‌های جدی داخلی و خارجی قرار گرفت تا آن‌جا که از دست‌یابی به خواسته‌ها، اهداف و ملاک‌های ارزشی خود باز ماند.

در این مقاله سعی شده است، ضمن تأکید بر هویت و رابطه تعاملی آن با فرهنگ اسلامی، چالش‌های فراوری جمهوری اسلامی در دو بخش داخلی و خارجی شناسایی شود و با تأکید بر فرهنگ اسلامی انقلاب ایران، ارتباط بحران هویت با چالش‌های فرهنگی، در هر یک از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ و در پایان با طرح راهکارهای مناسب به منظور رفع چالش‌های پیش روی نظام اسلامی، اعتدالی شعارهای اساسی جمهوری اسلامی، تحقق برنامه‌های دولت و اجرای کامل مفاد قانون اساسی را قوت بخشد.

* دکترای علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع) و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

کلید واژه

هویت دینی، دین، فرهنگ اسلامی.

مقدمه

سخن از هویت دینی و چالش‌های داخلی و خارجی فرهنگ اسلامی، منوط به بیان مفهوم هویت و تصویری درست از فرهنگ اسلامی است، که این تصور بدون تعریف فرهنگ، ناقص خواهد بود. هویت (Identity) در ساده‌ترین تعبیر، به معنای ویژگی‌های متمایزکننده فرد از دیگری است. این ویژگی‌های خاص شامل زبان، دین، نژاد، تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، معماری و... است. همچنین هویت بیان‌کننده چگونگی رابطه فرد به مثابه جزء با جامعه به منزله کل است. هویت به دو بخش فردی و جمعی تقسیم می‌شود.

- **هویت فردی:** همان مشخصات و ویژگی‌های منحصر به فردی است که فرد را از غیر متمایز می‌کند. هویت فردی بیش‌تر در چارچوب روابط اشخاص جلوه می‌کند.

- **هویت جمعی:** شامل ویژگی‌های جمعی و گروهی است که گروه یا جمع را از گروه دیگر متمایز می‌کند. هویت جمعی در چارچوب روابط گروهی مطرح می‌شود. مانند هویت دینی و هویت ملی. بنابراین هویت مجموعه‌ای است از ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای عاطفی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، قومی و حماسی که زندگی افراد گروه را دربرمی‌گیرد و اعضای این جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند.

تعریف‌های متعددی از فرهنگ وجود دارد. فرهنگ دارای دو جنبه معنوی و ذهنی است. در زبان فارسی فرهنگ به معنای فرهیختن، تربیت کردن، ادب آموختن، تأدیب کردن، نیکویی، تربیت و پرورش، بزرگی، عظمت، بزرگواری، فضیلت، وقار، شکوهمندی، حکمت، هنر، علم، معرفت، علم فقه، علم شریعت و عقل و دانش است. در این مقاله فرهنگ به مثابه کلیتی است که اعتقادات، اخلاقیات، ارزش‌ها، عادات، الگوهای رفتاری، اندیشه‌ها، سنن، آداب و رسوم را دربرگرفته است. اما به‌رغم وجود برداشت‌های مختلف از مفهوم فرهنگ، می‌توان ویژگی‌هایی چون فراگیر و مورد پذیرش مردم بودن، ایجادکننده همدلی و هم‌رنگی و الفت در بین دارندگان

آن را به مثابه نقطه مشترک در بین همه تعاریف دانست. پرسش از چیستی و کیستی انسان و هویت او بدون بحث درباره فرهنگ ممکن نیست. به عبارتی اگر فرهنگ را به مثابه مجموعه اندیشه‌های مشترک بشری بدانیم که در بستری از تفاوت‌ها قرار دارد، همین تفاوت‌های اندیشه‌ای، تفاوت‌های فرهنگی را به همراه خواهد داشت. لذا هویت‌ها نیز متفاوت خواهد بود. یعنی تفاوت‌های فرهنگی منجر به بروز تفاوت‌های هویتی می‌شود. چراکه بسیاری از مؤلفه‌های هویتی که متمایزکننده فرد یا گروه از دیگری است در دل نظام فرهنگی جای گرفته و شکل یافته است. تفاوت‌های هویتی ناشی از تفاوت‌های فرهنگی است و بحث از هویت در واقع بحث از فرهنگ است. به این ترتیب، فرهنگ اسلامی عبارت است از «مجموعه اعتقادات، اخلاقیات، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، عادات، سنن و آداب و رسوم که ریشه در قرآن و سنت پیامبر و پیروان راستین او دارد که با مراجعه به قرآن و سنت، این ویژگی‌ها قابل استنباط است»^۱.

مهم‌ترین ویژگی فرهنگ اسلامی توحید است. در دین اسلام واسطه انحصاری بین انسان و خدا از بین رفته و در هر جا می‌توان به تحکیم و استقرار ارتباط انسان با خداوند مبادرت کرد. ویژگی دیگر فرهنگ اسلامی، تأکید آن بر معرفت، تفکر و شناخت است که در سایر ادیان اهمیت کمتری دارد. پیام دین اسلام از نخستین روزهای نزول وحی با کلمه «بخوان» در قالب قرآن بیان شده است و این خود بیانگر توجه و اهمیت دین اسلام به مطالعه و اندیشیدن است. ویژگی دیگر، جامع‌الاطراف بودن فرهنگ اسلامی است. اسلام ضمن این‌که همه نژادها و طبقات را در برمی‌گیرد در تمامی حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی نیز دیدگاه‌های مهمی عرضه می‌کند. درباره انسان، جامعه، خانواده، کار، دنیا، آخرت و مفاهیم دیگر نیز نظر خود را بیان کرده و در همه آن‌ها اصل تفاهم بین همه مفاهیم را در نظر گرفته است. ویژگی دیگر فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگ‌ها، عدم تحریف منابع آن است. قرآن مجید به مثابه اصلی‌ترین منبع و واقعیت مرکزی و مقدس اسلام همگی کلام خداوند است، و هیچ حرف و سطری از آن را بشر ننگاشته است. بر خلاف کتب مقدس دیگر که نحوه جمع‌آوری و تدوین آن‌ها معلوم نیست، تاریخ نزول تمامی آیات و سُور قرآن و حتی شرایط خاص نزول آیات دقیقاً

معلوم است و به همت حفاظ قرآن از جمله حضرت علی (ع) با دقت حفظ شده است. اصحاب و تابعین، قول و فعل پیامبر (سنت) را به دقت ثبت کرده‌اند (تا جایی که حتی جزئیات زندگی خصوصی پیامبر نیز بیان شده است). بنابراین فرهنگ اسلامی مبتنی بر سنت، از فرهنگ‌های ادیان دیگر دقیق‌تر و به زمان حال نزدیک‌تر است.

این فرهنگ با چنین ویژگی‌هایی در طول تاریخ دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است. حاکمانی که بعد از خلافت حضرت علی (ع) بر مسند حکومت نشستند، ویژگی‌های اصلی فرهنگ اسلامی را نادیده گرفتند و تنها بخشی از فرهنگ اسلامی که می‌توانست به حفظ حکومت آن‌ها کمک کند را رواج دادند و به اصول و مبانی فرهنگ اسلامی توجهی نداشتند. حکومت پهلوی نیز به مقابله آشکار با فرهنگ اسلامی پرداخت. این حکومت سعی داشت تا ترکیبی از فرهنگ غربی و فرهنگ ایران پیش از اسلام را جایگزین فرهنگ اسلامی کند. قرار دادن فرهنگ اسلامی در مقابل فرهنگ ایرانی توطئه‌ای بود که این رژیم برای مبارزه با فرهنگ اسلامی اتخاذ کرده بود. این در حالی است که هیچ شخص واقع‌بینی نمی‌تواند فرهنگ اسلامی را از فرهنگ ایرانی جدا کند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، توجه به فرهنگ اسلامی افزایش یافته است. در این نظام سعی شده است جهت‌گیری سیاست‌های فرهنگی بر مبنای فرهنگ اسلامی و ایرانی باشد و در عین حال نگاه جامع‌تر و همه‌جانبه‌تری به فرهنگ اسلامی صورت گیرد. اما به‌رغم تلاش‌های فراوان به منظور ترویج هرچه بیشتر فرهنگ اسلامی، به علت وجود مشکلات بسیار داخلی و خارجی (از جمله درگیری‌های بعد از انقلاب، وقوع جنگ، عوامل اقتصادی و اجتماعی) و قرار گرفتن فرهنگ اسلامی در معرض چالش‌های فراوان، هنوز معیارها و ویژگی‌های برجسته این فرهنگ به‌منصه ظهور نرسیده است. بحران هویت فرهنگی در ایران اصولاً متأثر از چنین چالش‌های مختلف داخلی و خارجی به‌خصوص در قرن معاصر بوده است. از آن‌جا که در مطالعه و تحلیل بحران هویت و چالش‌های فرهنگی، عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ایجاد آن‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند لذا در تقسیم‌بندی چالش‌های فرهنگ اسلامی به لحاظ

تبیین روابط بحران هویت با چالش‌های فرهنگی هر یک از حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. با توجه به این‌که پیروزی انقلاب اسلامی با پذیرش فرهنگ اسلامی توأمان همراه بوده است، باید برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی در سیاست‌گذاری‌های خود، حفظ هویت فرهنگی انقلاب اسلامی و نظام را در رأس امور قرار داد. بدیهی است که از بدو پیروزی انقلاب تحولات و تغییرات عمده‌ای در داخل و خارج از کشور اتفاق افتاده است که بسیاری از این تحولات، انقلاب اسلامی را با چالش‌های جدی فرهنگی مواجه ساخته است تا با ایجاد شرایط نامساعد، جمهوری اسلامی را در جهت عمل به وظیفه دینی و مردمی خود ناکارآمد سازد، لذا هدف مقاله حاضر این است که ضمن شناسایی و معرفی مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی داخلی و خارجی راهکارهای مناسب جهت رویارویی با این چالش‌ها مشخص شود تا با اتکا بر ویژگی‌های فرهنگی - دینی همچون خودباوری، حفظ وحدت، مشارکت مردمی، اعتمادپذیری، مردم‌سالاری دینی و... انقلاب اسلامی در عرصه‌های مدرنیته هویت خود را در راستای تحقق اهداف دینی انقلاب حفظ نماید.

۱- چالش‌های خارجی فرهنگ اسلامی

مهم‌ترین چالش‌های خارجی را می‌توان به چالش‌های تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تقسیم‌بندی کرد.

۱-۱- تکنولوژی و چالش‌های خارجی

با انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژی در غرب، به سرعت سلطه تکنولوژی به‌رغم دست‌آوردهای مثبت آن بر تمام ابعاد زندگی سیطره یافت و تبعات منفی فرهنگی آن بیش‌تر مشهود شد. از آن‌جا که اشاعه تبعات منفی فرهنگی تکنولوژی، فروپاشی اخلاقی را در پی دارد لذا هویت دینی جوامع اخلاق‌گرا بیش‌تر در معرض آسیب قرار خواهد داشت. به علاوه کشورهای عقب‌مانده به دو دلیل ضرر بیش‌تری از تکنولوژی می‌بینند. نخست این‌که این

کشورها از پیشرفت چندانی برخوردار نیستند و دیگر این‌که تکنولوژی برتر در دست کشورهای غربی است، از این رو آن‌ها نمی‌توانند آن‌طور که لازم است به نفع کشور خود از تکنولوژی استفاده کنند. در این قبیل کشورها، بخشی که بیش‌تر مورد تخریب قرار می‌گیرد فرهنگ دینی و مذهبی است. اولین تأثیری که تکنولوژی بر فرهنگ دینی و اسلامی بر جای می‌گذارد نشان دادن تکنولوژی به جای «خداست». از آن‌جا که فرهنگ دینی عاملی برای تنظیم و ارزیابی و نقد اطلاعات نامطلوب به‌شمار می‌آید و طرفداران را به سوی مسائل اخلاقی و معیارهای هویت‌بخش در جامعه دینی سوق می‌دهد، لذا اگر از قدرت آن کاسته شود و یا موازنه قدرت خود را از دست بدهد، نوعی سردرگمی، تردید و بی‌هویتی را که توأم با بحران اجتماعی است، شکل می‌دهد. در این حالت انسان نمی‌داند به چه چیزی باید پایبند و متکی باشد و نسبت به آن‌چه که پایبند است دچار توهم و تردید می‌شود. این وضعیت ناشی از تأثیرات منفی تکنولوژی بر فرهنگ دینی است. فرایند تکنولوژی در چارچوب نظام تکنوپولی موجب بی‌اعتباری ارزش‌ها و مبتذل شدن مقدسات می‌شود. در این فرایند سمبل‌هایی که اعتبار ارزشی آن‌ها ریشه در عقاید و آئین‌های سنتی دارد باید هرچه سریع‌تر از اعتبار ساقط و از اثرگذاری آن‌ها کاسته شود و در نهایت بی‌اعتبار و بی‌اثر شوند؛ و این بدین معناست که باید لباس قداست از تن سمبل‌ها به در آید.^۲

این مسئله یکی از آثار منفی تکنولوژی بر شکل‌گیری چالش فرهنگی است. تأثیر دیگر تکنولوژی دگرگون‌کردن مفاهیم و اندوخته‌های ذهنی است. تغییراتی که کاربرد یک فن در جامعه به وجود می‌آورد به‌طور تدریجی، بسیار پیچیده و غیر قابل پیش‌بینی است. تغییراتی که بر مبانی و معیارهای عقیدتی ایجاد می‌شود از جمله این تغییرات پیش‌بینی نشده است. پستمن به نقل از هارولد اپنیس می‌گوید:

«تکنولوژی‌های جدید اصلاً ساختار علائق و اندیشه‌های ما را عوض می‌کنند.

به رمزها و معنای آن‌ها و حتی وسایل تعقل و اندیشه، معانی دیگر و کاربرد دیگری می‌بخشند، جامعه و اجتماع معانی دیگری پیدا می‌کنند. فضای رشد اندیشه و

زمینه‌های آن تحول می‌یابد.»^۳

تأثیر دیگر تکنولوژی بر فرهنگ دینی این است که، تکنولوژی تاریخ خود را می‌سازد و تاریخ‌های دیگر را کنار می‌زند. نیل پستمن معتقد است تاریخ تکنوپولی از مبانی و پایه‌های اخلاق عاری است. تکنوپولی تمام ضوابط و مایه‌های اجتماعی، سیاسی، تاریخی، متافیزیکی و منطقی و معیارهای روحی - روانی ما را که به مدد آن‌ها قادر به شناخت و ارزیابی و تمیز بین واقع از غیر واقع بودیم از ما ربوده است، به طوری که معیاری نداریم که با محک آن بگوییم چه چیز ارزش پذیرفتن را دارد و یا فاقد ارزش است. تکنولوژی به منزله یکی از مظاهر پیشرفت و ترقی آثار بسیار مثبتی برای بشریت به ارمغان آورده است اما در طول مراحل رشد و کارکرد خود به لحاظ ماهیتش تأثیرات منفی فراوانی نیز بر فرهنگ دینی گذاشته است.

۲-۱- مسائل اقتصادی و چالش‌های خارجی

در دنیای کنونی، عرصه‌های مختلف زندگی، از جمله حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و می‌توانند بر یکدیگر تأثیر بگذارند. یکی از اقدامات دشمنان انقلاب اسلامی، ناکارآمد جلوه‌دادن انقلاب در نحوه اداره امور کشور به خصوص در حوزه اقتصادی بوده است. زیرا عدم موفقیت جمهوری اسلامی در حل مشکلات اقتصادی به معنای به چالش کشاندن فرهنگ اسلامی است. بدین معنا که فرهنگ اسلامی توانایی لازم برای ایجاد فعالیت‌های اقتصادی ندارد. اجرای چنین سیاستی به‌طور قطع بر فرهنگ اسلامی به‌طور غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد.

در این‌جا به اختصار مجموعه‌ای از سیاست‌های ضد جمهوری اسلامی ایران که بازتاب منفی بر فرهنگ اسلامی به لحاظ چالش اقتصادی با فرهنگ به دنبال دارد، عرضه خواهد شد.

۱-۲-۱- رویداد جنگ تحمیلی

یکی از رویدادهایی که به تحریک مخالفان و دولت‌های معارض جمهوری اسلامی رخ داد و بر اقتصاد و فرهنگ کشور تأثیر گذاشت، جنگ تحمیلی بود. این جنگ بازتاب‌های فرهنگی و اجتماعی چندی را سبب شد. در زمان جنگ مبالغه‌نگفتی از بودجه کشور

به تسلیحات و آمادگی‌های رزمی اختصاص یافت که می‌توانست به منظور ایجاد رفاه، بهزیستی، بهبود وضع فرهنگی و اقتصادی جامعه به کار گرفته شود. از طرف دیگر بیش‌تر نیروهای توانمند فکری مسئولان و مردم صرف امور نظامی شد و مسائل تربیتی و فرهنگی یا به کلی فراموش شد یا در خدمت آماده‌سازی نظامی مردم درآمد که ضعف فرهنگی و تربیتی کشور را به دنبال داشت.

از سویی، جنگ بخشی از فعال‌ترین و متعهدترین نیروهای جامعه یعنی سرمایه‌های انسانی کشور را به خود اختصاص داد و موجب از دست رفتن سرپرست خانواده‌ها و ایجاد مشکلات اجتماعی - عاطفی و روانی شد. چه بسیار خانواده‌هایی که بدون سرپرست ماندند؛ بعضی همسران خود را از دست دادند و عده‌ای پدران خود را؛ و این‌ها همه از پی‌آمدهای اجتماعی - فرهنگی جنگ است.

از دست رفتن تعادل جامعه، اختلال شخصیت، نابسامانی‌های سیاسی - اجتماعی که حتی شاید منجر به سقوط نظام شود و امثال آن، عوارض مهم جنگ در جهان می‌باشد، که به سادگی قابل جبران نیست. کنترل و نظارت اجتماعی و دولتی در زمان جنگ کاهش می‌یابد. چون نیروهای نظامی - انتظامی کشور برای دفاع از میهن فراخوانده می‌شوند و میدان برای سوءاستفاده فرصت‌طلبان خالی می‌ماند. از طرفی بخش عظیمی از بودجه فرهنگی - تربیتی - ورزشی و خدماتی کشور به بودجه نظامی الحاق شده و صرف جنگ می‌شود و برنامه‌های تربیتی - فرهنگی را کد می‌ماند.

۱-۲-۲- ایجاد تنگناهای اقتصادی

بعد از جنگ جهانی اول، جهان با ۱۱۷ تحریم و بعد از جنگ جهانی دوم با ۱۰۰ تحریم مواجه بود که از این تعداد ۸۷ مورد آن از سوی آمریکا بوده است.^۴

در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی برای یافتن علل و پی‌آمدهای تحریم‌های بین‌المللی انجام شده است. وضعیت این تحریم‌ها چنان به عوامل با نفوذ در فضای سیاسی جامعه جهانی وابسته است که در عمل باید بازتابی از انگیزه‌های نیروهای اداره و هدایت‌کننده این جامعه تلقی شود. از

این رو تحریم اقتصادی در زمره نامناسب‌ترین و نامطلوب‌ترین اقدامات بین‌المللی است که بیش‌تر با اهداف غیر اقتصادی طرح‌ریزی می‌شود.

امریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌خصوص بعد از بحران گروگان‌گیری سعی کرد که تنگناهایی برای ایران ایجاد کند، از آن جمله است: توقیف دارایی‌های ایران، محاصره اقتصادی در زمان جنگ، ممانعت از تحویل سلاح‌های خریداری‌شده در زمان حکومت شاه و بالاخره تحریم فروش سلاح به ایران در زمان جنگ. پی‌آمدهای ناشی از تحریم اقتصادی به دلیل آمیختگی عمیق با سایر بخش‌ها و ابعاد زندگی روزمره از زوایا و ابعاد مختلف قابل بررسی است.

اگرچه تحریم اقتصادی نتوانسته است به اساس نظام جمهوری اسلامی آسیب برساند، بر توانایی اقتصادی تأثیر گذارده و مشکلات اقتصادی فراوانی را موجب شده است؛ که بروز این مشکلات خود بر فرهنگ عمومی کشور تأثیر گذاشته است. محدودیت‌ها و تنگاتنگ‌های حاصل از تحریم اقتصادی زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا فرهنگ اسلامی در استراتژی و تاکتیک حفظ نظام جمهوری اسلامی با چالش مواجه شود.

۱-۲-۳- سوءاستفاده از جهانگردی

درباره جهانگردی و تأثیر آن بر فرهنگ اسلامی نظرات مختلفی وجود دارد. با آن‌که توریسم مقوله‌ای اقتصادی است، اما با این حال به‌مثابه پدیده‌ای فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد. دکتر صدوقی عضو کمیته علمی سمینار «ایرانگردی و جهانگردی و توسعه» می‌گوید:

«نباید رشد و توسعه توریسم که موجب نفع و درآمد اقتصادی است، موجب نابسامانی اجتماعی و آشفستگی اخلاقی شود. این مسئله در کل جهان مطرح است، توریسم همانند تمام پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی بایستی تحت کنترل باشد. کنترل کیفیت و اخلاقیات در توریسم نه تنها موجب رکود اقتصاد نخواهد شد، بلکه بر رشد آن خواهد افزود، زیرا اگر صنعت توریسم، برخلاف مصالح اجتماعی و نکات اخلاقی جریان داشته باشد، امکان بقا نخواهد داشت».^۵

اگر چه برخی توریسم را عامل تشمت فرهنگی دانسته‌اند به گونه‌ای که رشد و تربیت در جامعه را دچار بحران می‌کند، با این حال موافقان و مخالفان این صنعت بین جهانگردان مسلمان و غیرمسلمان تفاوت قائل شده‌اند.

مصادیق و شاخصه‌های موجود مبین این واقعیت است که صنعت جهانگردی بر فرهنگ جامعه ایران بی‌تأثیر نخواهد بود اما این‌که میزان تأثیرات منفی آن و به چالش کشیدن فرهنگ اسلامی از سوی آن به چه میزان است بستگی به سیاست‌های جهانگردی و توان و آمادگی اجرای سیاست‌های مبتنی بر اصول اساسی فرهنگ اسلامی دارد.

۳-۱- چالش‌های خارجی و مسائل سیاسی

کشورهای استعمارگر بعد از استقلال ظاهری که به کشورهای مستعمره دادند، سعی کردند نفوذ و سلطه خود را با ایجاد وابستگی فرهنگی در این کشورها حفظ کنند. در ایران این وابستگی فرهنگی از زمان رضاشاه شروع شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد. حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز آثار آن وابستگی فرهنگی مشهود است. در حال حاضر، غرب سعی دارد فرهنگ خود را در پوشش فعالیت‌های سیاسی گسترش دهد و به این وسیله با فرهنگ اسلامی مبارزه کند. یکی از این پوشش‌ها، فعالیت دیپلماتیک و دیگری حمایت سیاسی و اقتصادی از گروه‌های معارض است تا به این وسیله از آن‌ها برای اهداف فرهنگی خود استفاده کند.^۶

بعد از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، واکنش سیاست رسمی نظام در عرصه فرهنگی و سیاسی نسبت به فرهنگ غربی طرد آن و گسترش فرهنگ اسلامی به جای آن بود. بیگانگان در چنین وضعیتی سیاست‌های مرموزانه و خزنده‌ای را به کار بستند و در جست‌وجوی راه کارهای جدیدی برای گسترش فرهنگ خود برآمدند. از لحاظ سیاسی، آن‌ها از طریق سفارتخانه‌ها و کمک به گروه‌های سیاسی معارض نظام جمهوری اسلامی، اهداف فرهنگی خود را پیش می‌بردند.

۳-۱-۱- حمایت سیاسی - اقتصادی از گروه‌های معارض

کمک‌های اقتصادی مخالفان جمهوری اسلامی به گروه‌های معارض، یکی از راهکارهای به

چالش کشیدن فرهنگ اسلامی است که در جامعه اسلامی ایران به کرات مشاهده شده است. گروه‌های معارض جمهوری اسلامی با استفاده از منابع مالی - خارجی اقدام به سازماندهی فعالیت‌های خود علیه حکومت اسلامی کردند. این کمک‌ها عبارتند از:

الف - دریافت کمک‌های بی‌حد و حساب از سازمان‌های جاسوسی و کشورهای خارجی.

ب - سوءاستفاده از دارایی‌های ایرانیان خارج از کشور.

شاپور بختیار در مصاحبه‌ای با برنامه فارسی بی.بی.سی اظهار داشته است که از سوی عراق مورد حمایت مالی قرار گرفته است و میزان این کمک مالی را با درآمد یک روزه نفت ایران برابر دانسته و این در زمانی است که درآمد سالانه نفت ایران ۱۲ میلیارد دلار بوده است. پس به این ترتیب، به گفته شاپور بختیار، عراق معادل سی و سه میلیون دلار کمک مالی به وی کرده است.^۷

از سوی دیگر پناهندگان سیاسی با تقویت فعالیت فرهنگی - سیاسی گروه‌های معارض علیه ایران در عمل سیاست تضعیف نظام جمهوری اسلامی و آسیب‌پذیری فرهنگی ایران را فراهم می‌کردند. این‌گونه فعالیت‌های سیاسی - فرهنگی گروه‌های سیاسی علیه فرهنگ اسلامی خود به خود به نفع فرهنگ غربی بود. نکته قابل توجه در این حمایت‌ها آسیب رساندن به فرهنگ اسلامی و مرکز ثقل تمام مخالفت‌ها یا حمایت از مخالفان فرهنگ اسلامی بوده است. تحلیل‌گران مسائل ایران بر این عقیده بوده‌اند که خط مشی براندازی و درگیری مستقیم و رودررویی آن در زمینه‌های سیاسی و نظامی کارآیی ندارد و نظام ایران در این زمینه‌ها از موضع قدرت و قوت برخوردار است. لذا تنها راه مقابله مؤثر و کارآمد با جمهوری اسلامی برخورد غیرمستقیم فرهنگی و فعالیت در داخل نظام ایران است. این خط مشی که در خارج از کشور و در میان گروه‌های ضد انقلاب به خط مشی «استحاله» شهرت دارد با نفوذ در حاکمیت و فعالیت‌های فرهنگی مستمر و برنامه‌ریزی شده موجبات آسیب‌پذیری فرهنگی، و در نهایت تغییر فرهنگ را فراهم می‌آورد. در راستای آسیب‌رسانی به فرهنگ اسلامی انقلاب ایران بیش‌تر گروه‌های معارض بر این عقیده‌اند که تحول ۱۸۰ درجه‌ای در ایران رخ نخواهد داد، چرا که نه مقتضیات امروز ایران حکم می‌کند و نه شرایط امروز بین‌المللی مناسب است که نظام یکسره ریشه‌کن

شود. بنابراین باید نزدیک‌ترین راه را که همانا استحاله فرهنگ اسلامی است انتخاب کرد. در راستای چنین سیاستی سعی شده است تا جوانان به جای مطالعه متونی چون آثار امام خمینی (ره)، شهید مطهری، مرحوم طالقانی و شریعتی که نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی است به مطالعه نوشته‌هایی خارج از چارچوب فرهنگ اسلامی روی آورند. امروزه کانون مهم و اصلی فعالیت‌های گروه‌های ضد انقلابی را خط‌مشی استحاله و مقابله ایدئولوژیکی و فرهنگی با انقلاب اسلامی تشکیل داده است. با مرور نشریات معارض در خارج از کشور و گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و مقالات رهبران آنان به خوبی می‌توان دریافت که همه امیدها به صحنه داخلی و مقابله فرهنگی با نظام جمهوری اسلامی است. اکثر نشریات ادبی و فرهنگی و طراحان سیاسی معارض بر این امر تأکید دارند و حتی گروه‌های چپ که تنها به مسائل سیاسی - اقتصادی علاقه‌مند هستند نیز به مسائل فرهنگی روی آورده‌اند و در تلاش هستند تا در این موج جدید صاحب نقش و تأثیر باشند.

۴-۱- چالش‌های خارجی و فرهنگ

فعالیت‌های فرهنگی غرب به خصوص فعالیت‌های خبری و تبلیغی و رسانه‌ای، مهم‌ترین بخش فعالیت‌ها علیه فرهنگ اسلامی را تشکیل می‌دهد. قدرت‌های مخالف جمهوری اسلامی از تمامی امکانات برای آسیب رساندن به فرهنگ اسلامی استفاده می‌کنند. رسانه‌های گروهی غرب با در دست داشتن انحصار خبری جهان نظیر رسانه‌های جمعی، مطبوعات، خبرگزاری‌ها و دیگر نهادهای خبری، سیاست‌های فرهنگی خود را در جهت استحاله فرهنگ اسلامی یا انحراف آن دنبال می‌کنند، نقطه تمرکز این فعالیت‌ها بر دو محور امپریالیسم خبری غرب و تولیدات فرهنگی غرب قرار دارد.

تأثیر فرهنگی غرب از مجاری ارتباطات رسانه‌ای که عمدتاً جریان یک‌سویه تبلیغاتی است چالش‌های فرهنگی را در جامعه ایران ایجاد کرده است. «کلود شنون» و «وارن و یور» در کتاب *تئوری ریاضی ارتباط کلمه ارتباط را معرّف تأثیرگذاری اندیشه‌ای بر دیگر اندیشه‌ها می‌داند و معتقدند که:*

«کلمه ارتباط معرّف تمامی جریان‌هایی است که به وسیله آن‌ها یک اندیشه می‌تواند اندیشه دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر ارتباط سبب می‌شود که وجدان انسان در وجدان دیگران تصاویر، مفاهیم، تمایلات و رفتارها و آثار روانی گوناگون پدید آورد».^۸

آن‌چه مسلم است و در عرصه بین‌المللی به چشم می‌آید، اطلاق فرایند امپریالیسم اطلاعاتی به مجموعه‌ای از ایستگاه‌های رادیویی، فرستنده‌های تلویزیونی، آژانس‌های عظیم خبرگزاری، فرستنده‌های ماهواره‌ای، مطبوعات با تیراژ چند میلیونی و دیگر مؤسسات مشابه است. این مجموعه با نهادهای سیاسی، نظامی و جاسوسی امپریالیسم غرب مرتبط هستند و نیز تحت نفوذ مستقیم و غیر مستقیم نهادهای بین‌المللی صهیونیستی قرار دارند، بنابراین با توجه به این‌که بیش‌تر خبرگزاری‌های مهم جهان و دیگر مراکز ارتباطی در اختیار این کشورها هستند، نظام جمهوری اسلامی هدف یک‌سویه تبلیغات از طرف آن‌ها قرار می‌گیرد. از آن‌جا که نظام اسلامی نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی است، بنابراین برای مبارزه با نظام اسلامی باید مبنای عقیدتی آن یعنی فرهنگ اسلامی را خدشه‌دار کنند.

بهره‌گیری از دستاویز تروریسم و حقوق بشر محور دیگری است که خبرگزاری‌های جهان به وسیله آن، هم با فرهنگ انقلاب اسلامی و هم با فرهنگ اسلامی مقابله می‌کنند. سعی آن‌ها بر این است که از یک‌سو انقلاب اسلامی را با چهره تروریستی و خشونت‌آمیز به دنیا معرفی کنند و از سوی دیگر به‌طور غیرمستقیم، اسلام را به مثابه مذهب خشونت و تروریسم به دنیا نشان دهند. این قبیل اقدامات در راستای تضعیف فرهنگ اسلامی و نیز تضعیف اسلام سیاسی است. موج اسلام‌گرایی در جهان نشان‌دهنده نقش فرهنگ اسلامی در بیداری مسلمانان است و بر این اساس چالش‌های فرهنگی در رأس سیاست‌های ضد فرهنگ اسلامی قرار دارد، بنابراین عمده تولیدات فرهنگی غرب مفاهیم دینی را مورد هجوم قرار می‌دهد. بیش‌تر کشورهای غربی برنامه‌های رادیویی دولتی به زبان فارسی دارند و در این برنامه‌ها بیش‌ترین کوشش آن‌ها این است که مردم را نسبت به فرهنگ ملی - اسلامی بیگانه کنند. در بیش‌تر برنامه‌ها از مسائل فرهنگی استفاده سیاسی و یا به عکس، از مسائل سیاسی بهره‌برداری فرهنگی می‌کنند. آن‌ها

سعی دارند بین فرهنگ ملی و اسلامی جدایی ایجاد کنند و فرهنگ اسلامی را به نفع فرهنگ ملی کنار بزنند. بارزترین نمونه این اقدامات را در فیلم‌هایی چون «بدون دخترم هرگز» می‌توان مشاهده کرد. به‌طور کلی تصویرپردازی‌ها، قالب‌سازی‌ها و تحریف‌گری‌های وسایل ارتباط جمعی غرب درباره انقلاب از جمله نمونه‌های کم‌سابقه و شاید بی‌سابقه سمت‌گیری آن‌ها نسبت به جهان سوم در سال‌های اخیر به شمار می‌روند. به همین دلیل کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای مطالعه ارتباطات، با همکاری شانزده محقق مشهور دنیا، به تحقیق درباره جوانب گوناگون ارتباطات و اطلاعات پرداخته و در گزارش‌های نهایی خود از تحریف‌های وسائل ارتباط جمعی غرب درباره انقلاب ایران، به‌مثابه یک نمونه مهم جهانی یاد کرده است.^۹

۲- چالش‌های داخلی فرهنگ اسلامی

۱-۲- اقتصادی

اقتصاد نقش مهمی در نظام فرهنگی کشور ایفا می‌کند؛ به طوری که امروزه در ابعاد مختلف فرهنگی، مسائل اقتصادی در زمینه‌های گوناگونی چون تولید، مصرف، روند رشد و توسعه اقتصادی، بیکاری و... آثار جدی به بار می‌آورد....

برای مثال، بیکاری که منشأ سیاست اقتصادی نامناسب است، علاوه بر عوارض اقتصادی، عوارض منفی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نیز در پی دارد. بیکاری سبب متلاشی شدن خانواده‌ها می‌شود، فساد و جرایم را افزایش می‌دهد و تنش‌های سیاسی به وجود می‌آورد. در این قسمت سعی خواهد شد به برخی عوارض سوء اقتصادی که بر فرهنگ اسلامی جامعه تأثیر منفی می‌گذارد و از عوامل عمده چالش‌زا در فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود اشاره شود.

۱-۱-۲- مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و عدم رعایت منافع عمومی

دوره سازندگی و بازسازی در همه کشورها باید همراه با ریاضت اقتصادی، صرفه‌جویی و قناعت باشد. کشورها در صورتی به پیشرفت و توسعه می‌رسند که دوره‌ای را در سختی بگذرانند و با تلاش و کوشش و مجاهدت بسیار، زمینه را برای پیشرفت اقتصادی هموار سازند.

هیچ ملتی با رفاه‌طلبی، بی‌تفاوتی، مصرف‌گرایی در دوره‌ی سازندگی و توسعه‌ی خود نه‌تنها موفق نخواهد بود بلکه حتی موجبات آسیب‌پذیری خود را نیز فراهم می‌کند. ریاضت اقتصادی ضد مصرف‌گرایی و ضد ریخت‌وپاش‌های بی‌حساب و کتاب است. امروزه در جامعه‌ی اسلامی که انضباط مالی و اقتصادی و صرفه‌جویی به‌خصوص در دوره‌ی سازندگی و بازسازی اقتصادی ضروری است، گرایش به مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی تهدیدی جدی برای فرهنگ اسلامی و توسعه‌ی فرهنگی جامعه به‌شمار می‌آید. برای مثال سرانه‌ی انرژی در کشور به‌طور متوسط هشت برابر مصرف کشورهای در حال توسعه است. مصرف آب تا دو برابر، گوشت، مرغ، تخم مرغ تا دو برابر، زیربنای ساختمان‌های مسکونی تا سه برابر بیش‌تر از میانگین مصرف دیگر کشورهاست. هم‌اکنون، ضایعات نان پانزده درصد است که بیش از $\frac{2}{5}$ برابر استاندارد جهانی است.^{۱۰}

این‌ها مواردی است که مصرف‌گرایی و عدم رعایت منافع عمومی را از سوی مردم نشان می‌دهد. جامعه‌ی اسلامی ایران بر اساس فرهنگ اسلامی اداره می‌شود و هر نوع رفتار مدیریتی تأثیر بسیاری بر مردم خواهد داشت. اگر دولت نتواند الگوی صحیح مصرف را ارائه دهد، طبعاً راه ملت برای دست‌یابی به توسعه سد می‌شود و به فرهنگ اسلامی نیز صدمه وارد می‌شود. حضرت علی(ع) مردمی را که کاخی در کنار کوخی بنا می‌کنند و به اسراف، زیادی غذاییان را در زیاله‌دان می‌ریزند و بچه‌های همسایه فقیر آن‌ها از آن زیاله‌ها استفاده می‌کنند، مرتد نامیدند و با خشم فرمودند:

«اگر به این پیرمرد دست پیدا کنم، اول توبه‌اش می‌دهم، و اگر توبه نکرد او را حد

ارتداد می‌زنم و پس از آن چند تازیانه».^{۱۱}

۲-۱-۲- فقر، شکاف اجتماعی و فقدان عدالت اجتماعی

ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه چنان در هم ادغام شده‌اند که در یک بررسی علمی از رویدادهای اجتماعی، نمی‌توان این بخش‌ها را از یکدیگر مستقل دانست. لذا برای بحث درباره مسائل طبقاتی، تحلیل شیوه‌های استثمار در نظام اقتصادی به‌مثابه اقدام فرهنگی

ضروری است. چرا که مراد از ارائه و انتشار نتایج بررسی‌ها، آگاه ساختن مردم از علل فقر اقتصادی و فساد فرهنگی ناشی از سودجویی‌های اقشار، طبقات و یا گروه‌های معین است.^{۱۲} فرهنگ سرمایه‌داری و فساد اخلاقی ناشی از آن از عمده‌ترین چالش‌های فرهنگی در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. چرا که ارزش‌های خاص خود را جایگزین ارزش‌های حاصل از انقلاب اسلامی می‌کند. مناسبات ناعادلانه اقتصادی را شکل می‌دهد و ریشه فقدان عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. وجود فقر، شکاف اجتماعی و نبود عدالت اجتماعی مانعی برای گسترش فرهنگ اسلامی است. لذا می‌توان این مقوله را از عوامل مهم چالش‌زا در فرهنگ اسلامی جامعه به شمار آورد. وقتی در جامعه روابط ناسالم اقتصادی حاکم باشد، پایه‌های نظام اخلاقی جامعه سست می‌شود. زمانی که اتباشت سرمایه در قشر کوچکی از جامعه خلاصه شود، جامعه نیز نسبت به مسئولان حکومتی و شعارهای آن‌ها بی‌تفاوت می‌شود.

ایجاد روابط ناسالم اقتصادی، مغایر با اجرای عدالت اجتماعی و موافق با نظام اقتصاد سرمایه‌داری است که فرهنگ خاص خود را می‌طلبد، و نیز جامعه مصرفی و اسراف‌زده را به وجود می‌آورد که خود جلوه‌ای از تهاجم به ارزش‌های فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود. نگرش اقتصادی به مقولات فرهنگی، تعیین سوبسیدهای فرهنگی با محاسبات اقتصادی، تعیین کسب درآمدها و خودکفایی مالی در نهادهای فرهنگی، حاکمیت روح بده‌بستان در مراودات فرهنگی همه و همه بر ضعف مبانی فرهنگی خواهد افزود.

۲-۲- سیاسی

۲-۲-۱- سیاسی شدن فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی

در اصول سیاست فرهنگی حکومت اسلامی ایران، بر فرهنگ به مثابه رهیافتی هدف‌گرا تأکید شده است. اما در عمل و در نظام برنامه‌ریزی و اجرایی هنوز به طور آشکار جایگاه واقعی فرهنگ تبیین نشده است. مشکلات و موانع متعددی در عدم توفیق سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در جامعه نقش دارند، بخشی از این مشکلات در سطح سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به خصوص سازمان‌هایی که عهده‌دار امور فرهنگی هستند عبارتند از:

۱- فقدان «نظریه واحد درباره فرهنگ» متناسب با شرایط خاص ایران که بتواند جنبه‌های مختلف «فرهنگ آرمانی» و «فرهنگ واقعی» و مسائل نظری و عملی را در الگویی خاص تبیین کند.

۲- نامشخص بودن قلمرو مدیریت فرهنگی یا قلمرو فرهنگ در نظام برنامه‌ریزی فرهنگی کشور.

۳- نامشخص بودن حدود و ثغور مسئولیت در نظام برنامه‌ریزی فرهنگی.

۴- عدم تناسب ساخت اداری سازمان‌های کنونی بخش فرهنگ با نقش‌ها و وظایف محوله به افراد.

۵- مشارکت اندک بخش خصوصی در فعالیت‌های فرهنگی و پایین بودن حجم سرمایه‌گذاری‌های خصوصی.^{۱۳}

یکی از مسائلی که جناح‌بندی‌های فرهنگی و به تبع آن چالش‌های فرهنگی را تشدید می‌کند، دیدگاه‌های متفاوتی است که در مقابل نواندیشی و فرهنگ تجدد وجود دارد. در واقع نوع برخورد با فرهنگ تجدد، در نگرش به ارتباطات فرهنگی، سیاست‌گذاری و جهت‌گیری اصلی در سیاست‌گذاری فرهنگی تأثیر می‌گذارد و شکاف‌های فرهنگی در جامعه را به وجود می‌آورد، که این شکاف‌ها چالش‌های فرهنگی را در جامعه شکل می‌دهد و موجب جناح‌بندی‌های سیاسی می‌شود، و جناح‌بندی‌ها خود، پی‌آمدها و چالش‌های جدی را به دنبال دارد.

درباره نحوه حاکمیت دولت بر عرصه فرهنگ نیز بر اساس جناح‌بندی‌ها، نظرات متفاوت است. برخی از نظام مختلط در عرصه فرهنگ دفاع می‌کنند. اینان معتقدند فعالیت‌های فرهنگی نیز باید در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی انجام شود؛ و این در حالی است که بیش از ۹۰٪ ابزار و فعالیت‌های فرهنگی در اختیار دولت است و در بخش خصوصی و تعاونی فعالیت گسترده‌ای صورت نگرفته است. از این رو لازم است تمهیداتی برای فعال‌کردن بخش خصوصی اندیشیده و از فعالیت خالقان آثار فرهنگی در بخش غیردولتی استقبال و حمایت شود. اما گروهی در عرصه فرهنگ، مخالف فعالیت بخش خصوصی و معتقد به حاکمیت مطلق دولت

هستند، اینان با تمسک به شعارهایی از قبیل دفاع از ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب از حاکمیت مطلق دولت طرفداری می‌کنند. آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند که برخی از خالقان آثار فرهنگی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی را مورد تهاجم و تمسخر قرار می‌دهند.^{۱۴} اما آیا حاکمیت مطلق دولت بر عرصه فرهنگ، باعث حفظ ارزش‌ها، همگانی کردن فعالیت‌های فرهنگی، مشارکت دادن کلیه سلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف در فعالیت‌های فرهنگی می‌شود؟ به‌رحال به‌رغم تأکید بر رویکرد هدف‌گرایانه در جمهوری اسلامی، مشخص نبودن جایگاه فرهنگ در ساخت‌های کلی و ارتباط آن با سایر عرصه‌ها، مشکلات بخش سیاست‌گذاری و حیطه مدیریت فرهنگی، عدم هماهنگی سیاست‌های فرهنگی و نبود تمرکز در سیاست‌گذاری راه را برای بروز چالش‌های فرهنگی در سطح جامعه باز گذاشته است. این نارسایی‌ها، با وجود جناح‌بندی‌ها و گرایش‌های مختلف در مورد فعالیت‌های فرهنگی و عدم توافق در سیاست‌های کلی فرهنگی و در نتیجه نبود سیاست‌های ثابت و مستمر در عرصه فرهنگ باعث شده‌اند که فعالیت‌های فرهنگی در جامعه ما بازیچه دست اشخاص شود. با انتصاب افراد مختلف در پست‌های دولتی سیاست‌های جدیدی اتخاذ می‌شود و با تغییر مسئولیت‌ها، سیاست‌های فرهنگی نیز تغییر می‌کند. به همین دلیل است که در کشور ما عرصه فرهنگ دچار بلاتکلیفی است.

اگر سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و جایگاه فرهنگ در کشور مشخص بود، با تغییر مسئولیت‌ها این سیاست‌ها تغییر نمی‌کرد. اگر قانونمندی وجود داشت نسبت به عملکرد مسئولان فرهنگی اعتراض نمی‌شد. نتیجه این وضعیت گروه‌گرایی و تنگ‌نظری در عرصه فرهنگ است که چالش‌های عمده فرهنگی را سبب می‌شود.

۲-۲-۲- درگیری‌های حزبی و افراط و تفریط در حمایت از گروه‌های سیاسی

برقراری پیوند میان سیاست و مذهب ظرافت و توانایی خاصی می‌طلبد. به بیان دیگر سیاستمدار بودن در عین دینداری بسیار مشکل و حساس است. بنابراین اداره کشور بر اساس مذهب امری دشوار است و تلاشی مضاعف را می‌طلبد. به دلیل همین است که همواره در طول تاریخ، شاهد افراط و تفریط در نحوه حکومت بوده‌ایم. در یک طرف حکومت کلیسا، که همه

چیز را تحت کنترل مذهب درآورده بود و طرف دیگر حکومت‌های سکولاریزم را داریم که مذهب را به طور کلی کنار گذاشته‌اند.

انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی که مولود آن است، توانایی اسلام و به خصوص تشیع را در اداره امور جامعه اسلامی به نمایش گذاشت. پیوند فرهنگ اسلامی با مقتضیات سیاسی و اجتماعی دنیای امروز بیش از هر چیز مدیون تلاش‌ها و فداکاری‌های امام خمینی (ره) است. در نظام جمهوری اسلامی علاوه بر این که رفتار دولتمردان بر فرهنگ اسلامی جامعه تأثیر می‌گذارد، گروه‌ها، تشکلات، و اصنافی نیز که بر اساس چهارچوب اسلامی تشکیل می‌شوند می‌توانند بر گرایش مردم به فرهنگ اسلامی تأثیرگذار باشند.

در جامعه‌ای که احزاب و گروه‌ها خود را مقید به فرهنگ اسلامی می‌دانند و رفتارهای خود را بر اساس شرع اسلام توجیه می‌کنند عملکردهای آنان زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد و موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها با فرهنگ اسلامی گره می‌خورد.

یکی از مسائلی که فرهنگ اسلامی را با چالش‌ها و موانع عمده‌ای مواجه ساخته رفتار سیاسی گروه‌ها و احزاب در حوزه‌های سیاسی - فرهنگی و اجتماعی کشور است. به طوری که همواره دچار افراط و تفریط شده‌اند و بر پیکر فرهنگ اسلامی جامعه صدمه زده‌اند. دین اسلام که دین اعتدال است و امت آن میانه‌رو هستند بیش از هر چیز به واقع‌بینی و میانه‌روی احتیاج دارد. چیزی که در این مدت کم‌تر شاهد آن بوده‌ایم. در بین گروه‌های فعال سیاسی، گروه‌های افراطی وجود دارد که حوزه دین را بیش از حد گسترش می‌دهد و بدون در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان بر اموری پافشاری می‌کنند که در دین، اجباری برای انجام آن‌ها نیست و گروه دیگر می‌خواهند حوزه دین را به طور کلی از حوزه سیاست جدا کنند و دین را فقط محدود به امور فردی نمایند و بدون در نظر گرفتن دین، به زمان و مکان بیش‌تر بها می‌دهند. چنین افراط و تفریط‌های سیاسی، فرهنگ اسلامی را با چالش مواجه کرده است. از آن‌جایی که توسعه فرهنگی در جامعه ما به نتیجه رضایت‌بخش نیانجامیده است، عمده‌گروه‌های فعال در جامعه ما همان جریان‌های افراطی هستند و کم‌تر دیده می‌شود که گروه‌ها در مواضع خود آن‌طوری که باید معرف فرهنگ اسلامی باشند، عمل کنند. فرهنگی که اعتقادات صحیح را با عقل بشری پیوند

داده است و ضمن آن‌که با استفاده از تجربیات عقلانی بشر رفاه مادی را در نظر می‌گیرد، با استفاده از ارزش‌های معنوی و روحانی نشأت‌گرفته از قرآن و سنت به جنبه معنوی زندگی نیز توجه می‌کند.

مسئله دیگری که در جامعه ما بر فرهنگ اسلامی تأثیر می‌گذارد، رقابت‌های حزبی و گروهی است. رقابت تا زمانی که در چارچوب مشترکی باشد و قواعد بازی را رعایت کنند، مفید است. اما آن‌چه پی‌آمد منفی فرهنگی دارد و بر فرهنگ اسلامی مردم تأثیر می‌گذارد، این است که گروه‌ها به اصول مشترک پایبند نباشند و رقابت حزبی و گروهی به درگیری و خشونت کشیده شود. از آن‌جا که در جامعه اسلامی گروه‌ها مدعی حرکت بر اساس اصول اسلامی هستند، درگیری آن‌ها موجب تقویت این تصور در مردم می‌شود، که آن‌ها بر سر اصول و مبانی کلی اختلاف نظر دارند. به این ترتیب درگیری‌های حزبی و گروهی فرهنگ اسلامی جامعه را تضعیف می‌کند. این مسئله از آن‌جا دارای اهمیت است که معمولاً گروه‌ها و احزاب فعال در جامعه ایران مواضع خود را روشن بیان نمی‌کنند، و به منظور دفاع از منافع مشروع یا نامشروع خود، از ارزش‌های اسلامی و انسانی سوءاستفاده می‌کنند.

۲-۳- چالش‌های داخلی در عرصه‌های اجتماعی

مشکلات متعددی در جامعه وجود دارد که بر فرهنگ اسلامی تأثیر منفی خواهد گذاشت برخی از این مشکلات به شرح زیر می‌باشد.

۲-۳-۱- تجرد ناشی از مشکلات ازدواج

اگر چه تجرد در سنین بالا به مثابه امری عادی درآمده است، اما عدم ازدواج جوانان در سنین ازدواج دارای تبعات روانی، فرهنگی، اجتماعی، دینی و حتی سیاسی است. ایجاد شرایط دشوار در امر ازدواج از سوی بعضی از خانواده‌ها، اضافه بر تورم و گرانی موجود، باعث بی‌رغبتی جوان‌ها به تشکیل خانواده شده است. ازدواج سبب ایجاد همکاری، همدردی، یگانگی، نیرومندی و مصونیت جامعه از آلودگی است. ازدواج در تحکیم هرچه بیش‌تر فرهنگ عمومی

جامعه نقش مؤثری دارد و اگر نادیده گرفته شود، جرایم و کجروی‌ها در جامعه توسعه می‌یابد و ناامیدی، افسردگی، دل‌سردی نسل جوان و هرج و مرج در روابط بر جامعه حاکم می‌شود. جوانی دوره مهمی از رشد جسمی و روانی است که تعادل روانی جوان در این دوره مستلزم آگاهی و ارزش نهادن به احتیاجات جسمی و روانی انسان است. ازدواج، شخصیت فردی انسان را تبدیل به شخصیت اجتماعی می‌کند. در پرتو ازدواج، جوان هم آرامش فردی و هم آرامش اجتماعی به دست می‌آورد. مراجعه به آمار افراد متهم به منکرات اخلاقی نشان می‌دهد که اکثر متهمان افراد مجرد هستند. ۷۰٪ مردان و ۶۷٪ زنان مجرم، مجرد بوده‌اند. از میان اتهامات چهارده‌گانه بیش‌ترین اتهام زنان و مردان مجرد مربوط به شرکت در مجالس جشن و پارتی و داشتن ارتباط نامشروع است که در مردان مصداق بیش‌تری دارد.^{۱۵}

۲-۳-۲- گروه‌های فرهنگ‌ستیز

یکی از اهداف استراتژیک غرب به منظور آسیب رساندن به نظام جمهوری اسلامی ایران تغییر در مرجع ارزشی جوانان است. از آن‌جا که جوانان همواره در پیشرفت نهضت‌ها و انقلاب‌ها و رشد توسعه جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند، تلاش به منظور بیگانگی این قشر از جامعه با فرهنگ اسلامی، می‌تواند فرایند رشد فرهنگ اسلامی در جامعه را با مشکل مواجه سازد. گروه‌های ضد فرهنگ اسلامی با استفاده از جذابیت‌های مختلف از جمله موسیقی‌های هیجان‌آور، آرایش موها، چهره‌های جاذب خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها و رقاصه‌ها، زمینه‌های گرایش جوانان به این گروه‌ها را فراهم می‌کنند و آن‌چه که به این فرایند کمک می‌کند عدم کارایی نهادهای فرهنگی خودی است.

۲-۳-۳- مشکلات مهاجرت و شهرنشینی

امروزه مهاجرت در کنار پدیده‌های دیگری چون گسترش بی‌رویه شهرها، فقر و بیکاری، کمبود مسکن، گرانی، تورم، جست‌وجوی آزمندانه ثروت و رفاه و دوری از ارزش‌های ملی و مذهبی از مؤثرترین موجبات انحطاط جوامع و بزهکاری محسوب می‌شود و بیش از پیش

زشت و ویرانگر جلوه می‌کند.

مهاجرت‌های گسترده‌ای که پس از انقلاب اسلامی در کشور ایجاد شد عواقب ناخوشایندی داشت که فرهنگ عمومی جامعه را دچار تنش و آسیب کرد. در جوامعی که شاهد بی‌رویه پدیده‌های مهاجرت از روستا به شهر و یا شهرهای بزرگ هستیم تنوع الگوی رفتاری افزایش می‌یابد و جمعیتی از فرهنگ‌ها و قواعد و آداب متفاوت شکل می‌گیرد و ارزش‌ها و قواعد حاکم به تدریج رنگ می‌بازد و عده‌ای که خود را فارغ از هر قید و بندی می‌پندارند امکان تعدی و تجاوز به حقوق سایرین را می‌یابند. از نتایج سوء مهاجرت‌های حاشیه‌نشینی گسستگی فرهنگی و افتادن در برزخ بی‌هویتی و ارتکاب جرایم را می‌توان نام برد. در شهر، از پیوندهای عمیق عاطفی بین اعضای خانواده، کمک و همیاری، پاک‌ی، بی‌آلایشی، کم‌توقعی و سادگی، و احترام به رسوم و سنت‌ها، کم‌تر می‌توان نشان جست. در مقابل، مدپرستی، دوستی‌های ناپایدار و بی‌روح و مبتنی بر منفعت شخصی، فریب و حيله‌گری، چهره فریبنده و پر تجملی به زندگی بخشیده است که ناخودآگاه مهاجران را به سوی خویش فرا می‌خواند. آنان در جدال دایم بین آن‌چه از پدران و مادران فرا گرفته‌اند و آن‌چه گریزی از دست‌یابی به آن ندارند، دچار سردرگمی و آشفتگی خاطر می‌شوند. احساس دلتنگی و جدایی می‌کنند و در اندوه و زحمت و تشویش تن به سازش اجباری می‌دهند و این مسئله آسیب جدی بر فرهنگ عمومی کشور وارد می‌کند. بر عهده دولت است که از تمرکز امکانات و تخصیص فرصت‌های رشد و ترقی به شهرهای بزرگ جلوگیری کند و با فقرزدایی و فراهم نمودن زمینه کار برای روستاییان و حمایت از فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری و... امکان زندگی سالم و رضایت‌بخش را در روستاها فراهم آورد.

۲-۳-۴- کاهش نقش فرهنگی خانواده

خانواده در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است. از نظر اسلام همه تلاش‌ها باید در جهت حفظ بنیاد خانواده باشد. خانواده در جمهوری اسلامی نیز از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی به خانواده اختصاص یافته است. در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است:

«از آن‌جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مرتبط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاقی اسلامی باشد».^{۱۶}

در جامعه اسلامی ایران، پدر و مادر همواره نقش مهمی در تربیت فرزندان ایفا کرده‌اند. اما چنانچه نقش خانواده کاهش یابد انتقال فرهنگ به عهده نهادهای دیگر از جمله همسالان، مدرسه، و رسانه‌های جمعی دیگر است. شواهد نشان می‌دهد که این نهادها نیز نتوانسته‌اند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، از این رو می‌بینیم که هر چه زمان می‌گذرد، فرزندان خانواده‌ها از فرهنگ اسلامی بیش‌تر دور می‌شوند. دلیل عمده این مشکل این است که رسانه‌های جمعی بیگانه از جمله رادیو، ماهواره و فیلم‌های ویدیویی جای خالی نهادهای فرهنگی داخلی را پر می‌کنند. هرچه نقش خانواده بیش‌تر کاهش یابد، موفقیت رسانه‌های جمعی بیگانه بیش‌تر خواهد شد و به دنبال آن امکان انحرافات اخلاقی و بزهکاری افزایش خواهد یافت؛ و بار دیگر فرهنگ اسلامی کشور در معرض چالش‌های جدی قرار خواهد گرفت. مگر آن‌که رسانه‌های جمعی داخلی بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

پژوهش‌های عملی و عینی جامعه‌سنجی خانواده نشان می‌دهد که افراد بزهکار خود از دل خانواده‌های متزلزل و از هم گسیخته برخاسته‌اند و کانون خانوادگی تشکیل شده از سوی آن‌ها اغلب دارای یک یا چند خصیصه زیر است:

- الف) در میان اعضای خانواده، عده‌ای تبهکار، منحرف یا میگسار بوده‌اند.
- ب) از هم پاشیدگی کانون خانوادگی (اعم از آن‌که ناقص یا کامل، اتفاقی یا ارادی، بر اثر مرگ و میر پدر و مادر یا هر دوی آن‌ها یا بر اثر جدایی و طلاق یا ترک خانواده باشد).
- ج) عدم مراقبت والدین از فرزندان در اثر جهالت، گرفتاری، ناتوانی و معلولیت و دیگر نقایص جسمی و حسی.

د) فضای نامطلوب خانوادگی در اثر: تبعیض، افراط در نازپروری یا خشونت، اهمال‌کاری، حسادت، کثرت عائله، مداخله ناروا و مفرط اعضای دیگر خانواده، سلطه بی‌جا و خشونت‌آمیز یکی از اعضا.

ه) اختلاف مذهبی یا نژادی، اختلاف اصولی در اسلوب رفتار، فرزندخواندگی، زندگی در پرورشگاه و مشکلات مالی، کمی درآمد، بیکاری، کارکردن مادران در خارج از کانون خانوادگی خود و بی سرپرست گذاشتن کودک.^{۱۷}

بنابراین اگر خانواده به هر دلیلی نتواند نقش اجتماعی - فرهنگی خود را به خوبی ایفا کند، امکان انحراف اخلاقی در میان اعضای خانواده و مخصوصاً فرزندان افزایش می‌یابد. در جامعه اسلامی ما، خانواده‌ها در تربیت فرزندان خود با مشکلات بسیاری مواجه هستند که موجب بروز تشتت در تناسب فرهنگ عمومی کشور شده است. ادامه تحصیل، یافتن شغل مناسب، امکان ازدواج، تأمین مایحتاج زندگی و تهیه مسکن از این جمله‌اند که عدم حصول هر یک از این موارد موجب بروز بحران در جامعه خواهد شد. در چنین بحرانی زندگی جوانان به فساد و تباهی کشیده می‌شود و عده‌ای به خارج از کشور پناهنده می‌شوند. در مجموع می‌توان ادعان داشت اگر خانواده به دلایل مختلف نتواند نقش خود را ایفا کند تهاجم فرهنگی دشمن در میان آن‌ها به سهولت نفوذ می‌کند و معیارهای اصیل فرهنگ دینی و ملی را فسخ می‌کند.

۳- چالش‌های داخلی در عرصه فرهنگی

تدوین استراتژی فرهنگی کارآمد و مبتنی بر اصول ارزشی اسلام، پشتوانه قوی برای برنامه‌ریزی‌های سیاسی - اقتصادی دولت اسلامی است. ضعف‌های عمده سیاست‌های فرهنگی که همواره جامعه ما با آن مواجه بوده است متأثر از عوامل متعددی است. از آن‌جا که فرهنگ و آزادی، رابطه‌ای علت و معلولی با یکدیگر دارند، اگر در جامعه‌ای آزادی با همه ملزومات خود وجود نداشته باشد بدنه فرهنگی جامعه به دلیل عدم احساس امنیت که در اشکال مهاجرت، خود سانسوری، خودفروشی، مخالف سیاسی، طفیلی‌پروری و... بازتاب پیدا می‌کند، پویایی و یکپارچگی خود را از دست می‌دهد. در جامعه اسلامی ایران نیز اگر آزادی از جامعه سلب شود آسیبی جدی به فرهنگ اسلامی وارد خواهد شد، چرا که اسلام و فرهنگ اسلامی همواره در فضای غیرحکومتی و در میان مردم گسترش یافته است. از طرف دیگر خود فرهنگ اسلامی با آزادی گره خورده است و اگر آزادی از آن گرفته شود عقیم خواهد

مانند. هر زمان که جامعه اسلامی از نعمت آزادی بهره برده، فرهنگ اسلامی نیز گسترش پر شتابی را شاهد بوده است. موفقیت سیاست‌گذاری فرهنگی در گرو غیردولتی‌کردن آن است. اما برای دولتی‌کردن فرهنگ در کشور ایران شرایط مضاعفی وجود دارد. بیش‌تر کشورهای جهان سرم برای دستیابی به وفاق ملی سعی می‌کنند امکانات فرهنگی را در اختیار دولت خود قرار دهند، از آن‌جا که ما نیز در زمره کشورهای جهان سوم قرار داریم به ناچار می‌بایست اینچنین عمل کنیم. از سوی دیگر چون در کشورهای جهان سوم توسعه سیاسی و اقتصادی تحقق پیدا نکرده است، بیش‌تر امکانات فرهنگی صرف جبران این عقب‌ماندگی‌ها می‌شود. بنابراین کشورها برای افزایش مشروعیت سیاسی و اقتصادی خود از فرهنگ جامعه هزینه می‌کنند و سعی می‌کنند که فرهنگ جامعه را به خدمت قدرت درآورند.

مورد دیگری که سیاست فرهنگی را تهدید می‌کند، توجه به شخص به جای شخصیت در سیاست‌گذاری‌ها است. این امر موجب می‌شود که اشخاص امکانات فرهنگی را تنها در اختیار خود بگیرند. از این روست که امکانات فرهنگی به جای این‌که در راه پویایی فرهنگ جامعه به کار گرفته شود، در اختیار اشخاص خاصی قرار می‌گیرد. با انتصاب هر فرد در امور فرهنگی، سیاست‌های فرهنگی نیز بنا به سلیقه شخصی آن فرد تغییر می‌کند. به همین دلیل با تغییر مسئولیت‌ها، سیاست‌های فرهنگی نیز تغییر می‌کند.

در سیاست‌گذاری فرهنگی باید سعی شود بین ابزارهای فرهنگی نشأت‌گرفته از جوامع اقتصادی سرمایه‌داری غرب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه اسلامی هماهنگی و تلفیق ایجاد شود. در این تلفیق باید به مبانی و محورهای تمدن غربی توجه شود. زیرا اگر به مبانی تمدن غربی توجه نداشته باشیم هر نوع تلفیق باعث سردرگمی، ابهام و حرکت بر اساس نیازهای روزمره و اتفاقات روز خواهد بود. به همین دلیل است که در جامعه ما در استفاده از این ابزارها ناتوانی وجود دارد و بحران استفاده از ابزارهای فرهنگی ناشی از تمدن غرب در جامعه، حاکم است. استفاده نادرست از سینما، رادیو و تلویزیون، ویدیو، مطبوعات، کتاب و آموزش ناشی از همین مسئله است. بخش عمده‌ای از مشکلات فرهنگی، حاصل ابهام در سیاست‌های کلی و فقدان جایگاه مناسب این ابزار در سیاست‌گذاری‌ها و عدم درک صحیح از تأثیر و تأثیرات متقابل

آن‌ها بر روند مسائل گوناگون جامعه است. ابهام در تعیین سیاست‌های کلان فرهنگی نیز ناشی از عدم شناخت صحیح از ارزش‌های خودی و عدم آگاهی از مبانی تمدن غربی است. تا زمانی که ما نتوانیم به جمع‌بندی روشنی دست یابیم اشکالات ادامه می‌یابد و مجریان در حل مشکلات با مانع روبه‌رو خواهند بود و مجبورند هر روز تحت تأثیر و تحمیل شرایط عمل کنند.^{۱۸}

۴- افراط و تفریط در مسائل فرهنگی

یکی از موارد دیگری که فرهنگ اسلامی را در جامعه با چالش مواجه می‌کند، افراط و تفریط در امور فرهنگی است. در این مورد به دو گروه در جامعه ایران می‌توان اشاره کرد که اقدامات هر یک از آن‌ها به بدنه فرهنگ اسلامی خدشه وارد می‌کند. گروهی که در تبیین و اجرای فرهنگ و احکام اسلامی شتاب و تندى به خرج می‌دهند و گاهی از مسیر واقعی خارج می‌شوند و در مقابل گروه دیگر، که با فرهنگ اسلامی بیگانه شده و نسبت به فرهنگ‌های دیگر رفتاری منفعلانه دارند.

البته، نظام تبلیغاتی کشور نیز بیش‌تر تحت تأثیر چنین دیدگاه‌هایی قرار می‌گیرد. لذا وجود چنین گروه‌هایی سبب شده است، گسترش فرهنگ اصیل اسلامی و انقلابی با مشکل مواجه شود و موجب خستگی، دل‌زدگی و احیاناً موضع‌گیری در برابر حقایق و معارف اسلامی، به‌خصوص از سوی نسل جوان شود و ضررهای جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. امروزه جامعه اسلامی ایران در شرایطی است که به رفتارهای سنجیده و حساب‌شده احتیاج دارد. تندروی‌های خارج از چارچوب قانون، علاوه بر آن‌که منحرفان و مجرمان را در اعمال خود سخت‌تر و کینه‌توزتر می‌کند، افراد میانه و حساس جامعه را نیز به موضع‌گیری و هواداری آنان می‌کشاند.^{۱۹}

از سویی تحمیل فرهنگ، اگر درست هم باشد عواقب سوئی به دنبال خواهد داشت. برای گسترش فرهنگ اسلامی باید فرهنگ‌های دیگر را شناخت و روش‌های درست رویارویی با آن‌ها را به کار بست. در جامعه اسلامی ایران یکی از مسائل تأثیرگذار در بروز چالش‌های فرهنگ اسلامی، تعامل این فرهنگ با فرهنگ‌های دیگری است که به نحوی با آن در تعارض می‌باشند.

اتخاذ هرگونه سیاست افراط و تفریط در این تعامل نتایج سودمندی در پی نخواهد داشت. برای مثال توجه به فرهنگ غربی، به منظور اقتباس از دست‌آوردهای مفید و سودمند علمی و تکنولوژیکی آن اشکالی ندارد، اما اگر این توجه باعث خودباختگی و بی‌تفاوتی به فرهنگ خودی باشد، آنگاه بر جامعه و فرهنگ اسلامی آثار نامطلوب بر جای می‌گذارد. لذا افراط و تفریط در حوزه فرهنگ عمومی کشور قادر به توضیح صحیح از ارزش‌های واقعی فرهنگی نمی‌باشد و منجر به اصطحکاک الگوها می‌شود. منظور از اصطحکاک الگوها، برخورد و تعارضاتی است که گاهی میان الگوهای مورد علاقه جوانان و نوجوانان با الگوهای فرهنگی موجود در مدرسه یا جامعه ایجاد می‌شود و با توجه به ویژگی الگوپذیری جوانان، اصطحکاک الگوها و استفاده ناصحیح از آن‌ها نقش به‌سزایی در گرایش‌های آن‌ها به فرهنگ اسلامی یا بیگانه ایفا می‌کند.^{۲۰}

سطحی‌نگری و سخت‌گیری در مسائل فرهنگی و تحمیل فرهنگ، انفعال در مقابل فرهنگ‌های دیگر، توجه به یک یا چند بعد از ابعاد اسلام و بالاخره ناتوانی در ارائه الگوی مورد نظر اسلام، فرهنگ اسلامی را با چالش مواجه می‌کند و افراد را از نگرش جامع و همه‌جانبه نسبت به اسلام باز می‌دارد.

۵- ناکارآمدی رسانه‌های جمعی

مشکل عمده‌ای که فرهنگ جامعه با آن مواجه است، ناکارآمدی رسانه‌های جمعی در انتقال بهینه فرهنگ اسلامی است. یکی از معضلات و مشکلات رسانه‌ها، به خصوص روزنامه‌ها، گرایش سیاسی آن‌هاست. روزنامه‌ها بیش‌تر سیاسی هستند تا فرهنگی، اقتصادی و مردمی، و این امر بر احیای اندیشه‌های فرهنگی جامعه و اصلاح مبانی فرهنگ اسلامی تأثیر منفی خواهد داشت و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی را تشدید خواهد کرد.

دکتر مولانا معتقد است:

«تمام مشکلات مطبوعات ما این بوده است که مدل‌ها و الگوهای خارجی را

وارد می‌کنند. چون در این شصت سال گذشته کاری که هشتاد تا نود درصد

مطبوعات ما کردند، تقلید از مطبوعات خارجی بود و چون مطبوعات خارجی با نیازهای مردم خودشان تا حدی شاید درست برخورد می‌کنند، ما فکر کردیم که ما هم همان نیازها را داریم».^{۲۱}

البته، مشکل مطبوعات را می‌توان به سایر رسانه‌های جمعی مانند رادیو، تلویزیون، سینما و ویدیو نیز تسری داد. واقعیت این است که زمانی که رسانه‌های جمعی ما نتوانند با مسائل فرهنگی جامعه به‌طور اصولی و منطقی برخورد نمایند و فرهنگ عمومی کشور را توسعه دهند، بدیهی است که فرهنگ اسلامی و عمومی کشور در مقابل فرهنگ‌های دیگر دچار انفعال خواهد شد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی با چارچوب مشخص فرهنگ اسلامی اقدام به تبیین استراتژی کلان نظام جمهوری اسلامی کرده و حفظ هویت فرهنگی را در رأس سیاست‌گذاری‌های خود قرار داد. بدیهی است که ثبات و امنیت جامعه در گرو تثبیت مبانی فرهنگ اسلامی انقلاب در متن جامعه و ساختار نظام سیاسی کشور است و قانون اساسی نیز پایه‌های نمادین خود را بر این دیدگاه متمرکز کرده است. در این مقاله مشاهده شد که تحولات و تغییرات عمده‌ای در عرصه‌های داخلی و خارجی جهت به چالش کشاندن فرهنگ اسلامی انقلاب بر روند رشد و توسعه اصول فرهنگی کشور تأثیر گذاشته است. برخی تحولات غیر مترقبه و ناشی از وضعیت خاص سیاسی - اجتماعی دو دهه انقلاب اسلامی و برخی با یک نظام برنامه‌ریزی شده و هماهنگ و در جهت سیاست تهاجم فرهنگی بیگانگان به‌منظور شکل بخشیدن به بحران هویت فرهنگی رقم خورده است. عمده‌ترین چالش‌های فرهنگی در دو دسته داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اساسی‌ترین راهکار در رفع چالش‌ها کسب توفیقات روزافزون فرهنگی در عرصه عمل، شناخت فرهنگ اصیل اسلامی و انطباق بهینه آن با شرایط و مقتضیات زمانه و عملیاتی کردن اصول ارزشی آن در عرصه عمل به‌منظور جذب و تقویت مشروعیت نظام و فرهنگ اسلامی است. از سویی باید اذعان داشت که عمده‌ترین چالش‌های فرهنگی در

جهت ترویج ناکارآمدی فرهنگ اسلامی در حفظ ثبات و امنیت عمومی و زشت جلوه دادن اصول و مبانی آن است. لذا امروزه بیش از هر زمان دیگر نیاز به شفافیت فرهنگ اصیل انقلاب اسلامی و بازسازی معیارهای عمیق آن در جهت توانمندی جامعه در مقابله با معضلات و مشکلات رایج احساس می‌شود. رفع چالش‌های پیش روی فرهنگ اسلامی در این برهه از زمان تنها با اتکا به معیارهای فرهنگی، از جمله مشارکت‌های مردمی، خودباوری دینی، اعتمادپذیری و مردم‌سالاری دینی و رعایت کامل و جامع اصول و معیارهای فرهنگ اسلامی و پایبندی و احترام همگانی به آن محقق خواهد شد.

پی‌نوشت

- ۱- عبوسی، محمدرحیم. *مبانی رشد فکری و تحول فرهنگ سیاسی در انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸، ص ۱۸.
- ۲- پستمن، نیل. *تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی*، ترجمه صادق طباطبائی تهران: سروش، ۱۳۷۲، صص ۳۷-۳۹.
- ۳- همان، ص ۳۷.
- ۴- میزگرد بعد از تحریم، دفتر مطالعات سیاسی - بین‌المللی، بولتن ۱۰۷، ص ۳۷.
- ۵- *اطلاعات*، «توریسم، مردم و زندگی»، ۱۳۷۲/۷/۲۷، ص ۵.
- ۶- عبوسی، محمد رحیم. «شناخت ماهیت امپریالیسم»، تهران: دانشگاه امام صادق، جزوه درسی، ۱۳۷۱، صص ۳۵-۳۰.
- ۷- امیری، حجت. «زمان سرزنش کردن فرا رسیده است»، *کیهان*، چاپ لندن، ش ۳۲۵، ۱۳۶۹/۸/۳، ص ۷.
- 8- Claude E. Shannon and Warren Weaver. *the Mathe Matial theory of communication* Iuinors press, 1964, P.7.
- ۹- معتمدنژاد، کاظم. «تصویر خبری انقلاب اسلامی در جهان»، *رسانه*، ش ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۲۸-۳۱.

- ۱۰- سرودلیر، محمد رضا. «نگاهی به مسئله اسراف، زراندوزی و اشرافی‌گری»، کیهان، ۷۶/۱/۱۷.
- ۱۱- هاشمی، مینا. «اسلام و تجمل‌پرستی»، پاسدار اسلام، ش ۱۶، اردیبهشت، ۱۳۷۴، صص ۲۱-۲۲.
- ۱۲- رواسانی، شاپور. «چرا فقط درباره تهاجم فرهنگی سخن بگوییم»، پیام امروز، ش ۱۴، مهر ۱۳۷۵، صص ۶۱-۶۲.
- ۱۳- مسجد جامعی، احمد. «مدیریت فرهنگی در رویارویی با دو نگرش»، کلمه، ش ۱۲، آذر و دی ۱۳۷۳، ص ۱۹.
- ۱۴- «نظارت بر تولیدات فرهنگی، آری، یا نه»، عصر ما، ش ۲۵، بی‌تا، ص ۲.
- ۱۵- مکارم شیرازی، حمید. بررسی علل گرایش جوانان به فرهنگ غیراسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق، پایان‌نامه منتشر شده، ۱۳۷۰، ص ۱۸۹.
- ۱۶- کمالی، علی‌اکبر. مفهوم جامعه‌پذیری، تهران: سازمان تبلیغات، ۱۳۷۴، ص ۷۴.
- ۱۷- رزاقی، احمد. «عوامل فساد و بدحجابی»، تهران: سازمان تبلیغات، ۱۳۷۴، صص ۳۶-۴۰.
- ۱۸- «سیاست فرهنگی»، جهان اسلام، ۱۳۷۲/۳/۱، بی‌تا، ص ۱.
- ۱۹- مکارم شیرازی، پیشین، صص ۱۸۳-۱۸۴.
- ۲۰- همان، ص ۱۵۰.
- ۲۱- مولانا، حمید. «نقد حال مطبوعات از زبان اساتید اهل فن»، رسانه، ش ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۵-۱۶.